

درک رادیو را دریابیم

اعظم راودراد
دانشیار گروه ارتباطات دانشگاه تهران

نظری و عملی توامان باشد. بهترین این کتاب‌ها در حوزه تئوریک و نیز عملی رادیو، کتاب درک رادیو نوشته اندرو کرایسل است.

این کتاب با مباحث نظری مربوط به توضیح نسبت رادیو با رسانه‌های دیگر و وجوه اشتراک و تفاوت آن و نیز بیان ویژگی‌های منحصر به فرد رادیو که قابلیت‌ها و توانایی‌های رسانه‌ای ویژه‌ای بدان اعطا می‌کند شروع شده است. در فصل مربوط به تاریخچه رادیو، اگر چه مرجع نویسنده کشور انگلستان است، اما تاریخچه به گونه‌ای بیان شده است که کلیت وضع تحول رادیو در کشورهای غربی را به خوبی منعکس می‌نماید. ضمن اینکه بیان آن صرفاً تاریخچه‌ای به معنای مصطلح نیست بلکه تاثیر متقابل رادیو و شرایط و رویدادهای اجتماعی، سیاسی و پیشرفت‌های تکنولوژیک و نیز رابطه رادیو با مخاطبین خود در دوره‌های مختلف را نیز پوشش می‌دهد.

پس از فصل تاریخچه کرایسل فصل مهمی را تحت عنوان علائم و رمزهای رادیویی عرضه می‌کند که در آن به شیوایی (که البته می‌تواند نشان دهنده شیوایی ترجمه معصومه عصام هم باشد) این علائم و رمزها را توضیح داده و قابلیت‌های رادیو را بر اساس آنها تشریح می‌نماید. قسمت اول و نظری این کتاب با فصل فوق پایان می‌پذیرد.

تا قبل از اینکه اداره کل تحقیق و توسعه صدا اقدام به چاپ کتاب‌های ترجمه‌ای و تالیفی متعددی در باره رادیو بکند، تعداد کتاب‌هایی که منحصرًا موضوع بحثشان رادیو بود از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی‌کرد. دو کتاب رادیو و ارتباط توسعه‌ای (خاتون آبادی، ۱۳۷۴)، و نویسندگی برای رادیو و تلویزیون (خزائی، ۱۳۷۵)، مرتبط ترین کتابهای رادیویی تا قبل از دهه ۸۰ بودند. ضمن اینکه مطالب مربوط به رادیو در لابلای مطالب متنوع رسانه‌های دیگر در کتابهای مبانی و تاریخچه‌ای ارتباطات قابل دستیابی بود. از آغاز دهه ۸۰، کتابهای زیادی توسط اداره کل تحقیق و توسعه صدا در هر دو قالب تالیفی و ترجمه چاپ شد که منحصرًا در باره رادیو بود.

کتاب‌های فوق اکثراً در موضوع مشخصی از برنامه سازی رادیویی منحصر می‌شدند. موضوعاتی مثل اصول تهیه برنامه‌های رادیویی (برخوردار، ۱۳۸۱)، نوشتن برای رادیو (قاضی زاده، ۱۳۸۰)، اصول نمایشنامه نویسی رادیویی، (معین افشار، ۱۳۸۱)، راهبردهای برنامه سازی برای رادیو در آینده (مک فارلند، ۱۳۸۱)، رادیوی جامعه ماهاولی (والبوئنا، ۱۳۸۲)، و برنامه سازی خلاق در رادیو (کوینسی، ۱۳۸۱) در این کتاب‌ها غلبه داشتند. در این میان معدودی کتاب یافت می‌شد که درباره رادیو به طور کلی صحبت کرده و شامل مباحث

نکته دیگر اینکه همان طور که گفته شد کتاب‌های رادیویی در مورد قالب‌های خاص برنامه سازی به همت اداره کل تحقیق و توسعه صدا زیاد چاپ شده است. شاید برخی از مطالب کتاب کرایسل را در کتاب‌های دیگر نیز بتوان یافت. اما اطمینان دارم که عمده مباحث تئوریک کتاب و نیز بخش مربوط به کم‌دی، طنز و سرگرمی را در هیچ کتاب فارسی دیگری به این روشنی و تفصیل نمی‌توان یافت.

مهمترین مباحث بخش نظری کتاب شامل توضیح مفصل دو ویژگی اصلی رادیو یعنی انعطاف پذیری و جاذبه قدرت تخیل؛ رمزها و کدهای رادیویی مانند کلام، صدا، موسیقی و سکوت، نوع ویژه رمزگذاری و رمزگشایی زبان رادیویی و اثرات همه اینها بر برنامه سازی رادیویی می‌شود. به عنوان مثال کرایسل توضیح می‌دهد که چگونه ویژگی انعطاف پذیری رادیو که به معنای امکان استفاده از رادیو حین انجام کارهای دیگر و نیز در بیرون از فضای داخلی است، لزوم تغییر در برنامه سازی رادیویی از برنامه‌های سنگین و جنگ مانند را به برنامه‌های کوتاه، قطعه‌ای و سبک که با زبانی شفاف و صریح با قابلیت رمزگشایی آنی بیان می‌شوند، ایجاد کرد. چنین برنامه‌هایی را به خوبی می‌توان به عنوان مثال در مدت کوتاه سوار شدن به تاکسی برای رسیدن به مقصد به طور کامل گوش فرا داد. یا می‌توان به هنگام قدم زدن در پارک و خیابان، با توجه به سرو صدای اطراف کماکان شنید و بدون نیاز به تمرکز زیاد آنها را دریافت. به وجود آمدن مخاطب اتفاقی برای رادیو، یعنی مخاطبی که نه عامدانه و آگاهانه، بلکه به طور ناخواسته و اتفاقی در معرض پیام رادیویی قرار می‌گیرد، نیز از دیگر دلایلی است که به گسترش این نوع از برنامه‌های کوتاه و سبک منجر شده است.

نکته قابل طرح دیگر در این زمینه توجه به رادیو به عنوان رسانه‌ای انتخابی است. رادیو به نظر کرایسل یک رسانه ثانویه است، صفتی که پس از ظهور تلویزیون و خارج شدن رادیو از رتبه اول رسانه‌های ارتباطی از نظر تعداد مخاطب بدان اطلاق می‌شود. در عوض رسانه ثانویه یک رسانه انتخابی است. اگر مخاطبی علیرغم در دسترس بودن رسانه‌های دیگر از رادیو استفاده کند، این رسانه برای وی به رسانه‌ای انتخابی تبدیل شده و رابطه تأثیرگذارتری با مخاطب برقرار می‌کند.

بحث دیگر کتاب درباره جاذبه قدرت تخیل رادیوست که به شیوه‌ای بسیار جالب و خواندنی توضیح داده شده و نه تنها عدم وجود تصویر برای رادیو به عنوان نقطه ضعف این رسانه در مقایسه با تلویزیون تلقی نشده است، بلکه مسائل زیر به عنوان آثار و نتایج مثبت فقدان تصویر در رادیو توضیح داده شده است. اول اینکه مخاطب ناخودآگاه با ساختن تصویر ذهنی متناسب، به هنگام گوش دادن به برنامه‌ها این فقدان را جبران می‌کند. دوم اینکه تصویر ذهنی هر کس با دیگری متفاوت بوده و برای هر کس بهترین تصویر موجود

در بخش دوم کتاب که به تحلیل‌های عملی از برنامه‌های رادیویی اختصاص دارد، انواع برنامه‌ها تحت عناوین «رادیوی موسیقی و گفت و شنودی»، «اخبار و وقایع روز»، «پخش برنامه‌های خارج از استودیو»، «نمایش‌های رادیویی»، «کم‌دی، طنز و سرگرمی» و «برنامه‌های تلفنی رادیو»، عملاً مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. نکته مثبتی که در مورد این قسمت کتاب وجود دارد، توضیحات نظری و تئوریک، ویژه هر نوع و قالب برنامه‌ای خاص است که قبل از شروع به تحلیل برنامه‌های نمونه ارائه شده است. این توضیحات منجر به فهم بهتر تحلیل‌ها و نیز تواناسازی خواننده به انجام تحلیل‌های مشابه می‌شود. ضمن اینکه در پایان هر فصل پیشنهادهای برای انجام کار عملی در همان موضوع ارائه شده است.

در فصل پایانی نیز کرایسل با اشاره به مبحث مخاطبان رادیو، وارد بحث‌های نظری تر رابطه متقابل رسانه و مخاطب شده و برخی الگوهای مطرح ارتباطی و نظریه‌های مرتبط چون اثرات رسانه‌ها و استفاده و خشنودی را به اجمال به بحث می‌گذارد. در این فصل به تحقیقات مختلفی که در حوزه مخاطب و رادیو انجام شده نیز اشاره می‌شود. ترجمه کتاب نیز همان طور که گفته شد بسیار سلیس و روان است و کتاب را خواندنی تر می‌کند.

در مجموع اگر به دنبال فهم مسائل نظری در حوزه رادیو هستید، خواندن فصل اول و سوم کتاب می‌تواند بسیار مفید باشد، اگر به دنبال فراگیری چگونگی تحلیل برنامه‌های رادیویی هستید، خواندن قسمت دوم کتاب که حاوی مثال‌های تحلیلی است بسیار کمک می‌کند. اگر می‌خواهید رادیو را به عنوان یک رسانه به خوبی بشناسید خواندن کل کتاب توصیه می‌شود.

نکته قابل طرح دیگر در این زمینه

توجه به رادیو به عنوان رسانه‌ای

انتخابی است. رادیو به نظر

کرایسل یک رسانه ثانویه است،

صفتی که پس از ظهور تلویزیون

و خارج شدن رادیو از رتبه اول

رسانه‌های ارتباطی از نظر تعداد

مخاطب بدان اطلاق می‌شود. در

عوض رسانه ثانویه یک رسانه

انتخابی است. اگر مخاطبی علیرغم

در دسترس بودن رسانه‌های دیگر

از رادیو استفاده کند، این رسانه

برای وی به رسانه‌ای انتخابی

تبدیل شده و رابطه تأثیرگذارتری

با مخاطب برقرار می‌کند.



عین هم‌اند، زیرا که دنیای متعلق به آنها، به سرعت و به محض حرف زدن از آنها در ذهن شنونده خلق می‌شود» (ص: ۲۷۴). این جمله‌ای کلیدی در باره طنز رادیویی است که در این فصل به خوبی و با آوردن مثال توضیح داده شده است.

نکته دیگر در باره نوع دوم طنز رادیویی این است که «در نوع قدیمی‌تر ژانر تئاتری کمدی، اصل بقا و دوام تصویر، حاکم بود؛ یعنی تا موقعی که صحنه تغییر نمی‌کرد، به همان شکل باقی بود. اما بر علائم صوتی اصل تغییر حاکم است؛ یعنی اگر صدا مجدداً شنیده نشود از ذهن محو می‌شود... از این رو ناپایداری و گذرا بودن علائم رادیویی به این معنی است که رادیو نه تنها می‌تواند سرعت لازم را داشته باشد، بلکه می‌تواند به آسانی و پی در پی در صحنه، تغییر ایجاد کند» (ص: ۲۷۵). همین امکان سرعت تغییرات صحنه در رادیو که آن را به فیلم شبیه می‌سازد، توانایی زیادی برای نوع دوم طنز رادیویی به آن اعطا می‌کند چرا که یکی از نکات مهم در طنز سرعت انتقال از مضمونی به مضمون دیگر است که در نوع قبلی تنها از طریق دیالوگ ممکن می‌شد.

نکات ارزشمند دیگری نیز در همین فصل در باره نوع دوم طنزهای مخصوص رادیو توضیح داده شده است که فرصت بحث آن در این مختصر نیست. اما ذکر یک نمونه از چنین طنزهایی خالی از لطف نیست:

«دکتر لاندونگل: ساکت، هیچ کدام حرکت نکنید وگرنه به

خواهد بود چون برخاسته از حافظه و تجربه تصویری وی است. سوم اینکه به دلیل تفاوت در تصاویر ذهنی، نوع ارتباط مخاطب با رادیو بیشتر شخصی می‌شود تا جمعی و این بر تاثیرگذاری آن می‌افزاید. چهارم اینکه ساخت برنامه‌های نمایشی در رادیو به دلیل همین قابلیت بسیار کم هزینه تر، سریع تر و در صورت همراهی با یک نوشته و اجرای خوب، موثرتر خواهد بود، چرا که تمامی صحنه، دکور، نورپردازی، لباس، میزاسن و حرکات بازیگران در تخیل مخاطب شکل می‌گیرد. رادیو برای ایجاد چنین تصاویری در ذهن مخاطب تنها به انواع صدا متکی است. همچنین به نویسندگانی که با شناخت قابلیت‌ها و ویژگی‌های رادیو و رمزهای رادیویی، با ارائه توصیفات ضروری، امکان تصویر سازی هر چه بهتر و بنابراین ارتباط بهتر با نمایش رادیویی را برای مخاطب به وجود آورند.

در فصل مربوط به کمدی، طنز و سرگرمی، نویسنده به دو نوع طنز رادیویی اشاره می‌کند. نوع اول را به خاطر برخی شباهت‌هایش به تئاتر، با تسامح تئاتر سنتی می‌نامد که مشخصه آن تاکید بر دیالوگ و نیز گفتن لطیفه و خواندن آواز است. اینها چیزهایی است که در رادیو نیز به راحتی قابل تولید است. نوع دوم که مهمتر است یک نوع طنز مخصوص رادیوست که از ویژگی منحصر به فرد این رسانه یعنی کور بودن و تخیل انگیزی آن استفاده می‌کند. در رابطه با نوع دوم کرایسل می‌گوید: «این شکل جدید تر کمدی که در اصل رادیویی است، بر اساس این حقیقت استوار است که کلمه‌ها و چیزها در رادیو

طرفتون شلیک می‌کنم.

سی گون: احمق جان، قوطی کنسرو صدف که شلیک و شوت نداره. باشه زود پرت کن پایین.

دکتر لاندونگل: نه خیر، اونو شوت کنم، اونوقت بعد خودم اینجا از گرسنگی بمیرم! نه خیر هیچ وقت. «

سپس کرایسل توضیح می‌دهد که «در این کم‌دی مفاهیم ساخته شده با سرعتی همسان می‌آیند و می‌روند، زیرا در دنیای کم‌دی هیچ چیز سر جای خودش قرار ندارد، حتی جسم فیزیکی انسان» (ص: ۲۷۶). این فصل با مثال‌های متنوعی از طنز مخصوص رادیویی کامل شده است.

کتاب درک رادیو از هنگام چاپ شدن تا کنون همواره به عنوان یکی از منابع مهم و تاثیرگذار رسانه رادیو در آموزش و پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. کمتر مقاله تحقیقی در حوزه رادیو، بخصوص مقالات ایرانی این حوزه را در این زمان می‌توان یافت که به این کتاب ارجاع نداده باشند.

اما اگر کاستی‌های کتاب مورد نظر باشد، می‌توان گفت کتاب انواع برنامه‌های رادیویی را به طور کامل پوشش نداده و تنها قالب‌های برنامه‌های ذکر شده در بالا را در بر می‌گیرد. این کتاب قابلیت آن را داشته و دارد که با اضافه نمودن انواع دیگر قالب‌های برنامه‌های، مثل برنامه‌های ترکیبی، میزگردهای رادیویی، مسابقات رادیویی، برنامه‌های گفتگویی و علمی در حوزه‌های مختلف، برنامه‌های دینی و رادیو و مانند آن، و نیز با اضافه نمودن مطالب نظری همچون جامعه شناسی رادیو و سیاست‌گذاری‌های رسانه‌ای در رادیو، مطالب خود را تکمیل کرده و به کتاب مرجعی در این حوزه تبدیل شود.

از نظر ترجمه نیز می‌توان گفت، اگر چه کار ترجمه به خوبی انجام شده و متن به سادگی و سهولت قابل مطالعه و قابل فهم است، اما مثال‌هایی که در آن آمده به دلیل عدم آشنایی خواننده ایرانی با آنها به اندازه مطالب نظری کتاب قابل درک نیست. اگر هر یک از مثال‌های تحلیلی ارائه شده در مورد انواع برنامه‌ها، با یک مثال تشریحی از برنامه‌های رادیویی ایران تکمیل شود، فهم خواننده بیشتر شده و نیز بعد آموزشی این کار افزایش می‌یابد. شاید بتوان پیشنهاد کرد که کتاب بار دیگر در دستور چاپ قرار گرفته و این بار با مثال‌های مشابه از رادیوی ایران تکمیل گردد.

علیرغم تمامی برتری‌های یاد شده در مورد این کتاب و برخلاف بیشتر کتابهای چاپ اداره کل تحقیق و توسعه صدا که توسط انتشارات سروش به چاپ‌های دوم و سوم رسیده‌اند، درک رادیو مدت‌هاست که دیگر در بازار نایاب است و البته از همان ابتدا هم به عنوان کتابی که بتوان از کتابفروشی‌ها تهیه کرد عرضه نشد. با توجه به محاسن بسیار زیاد کتاب و اهمیت آن به عنوان تنها کتاب جامع در باره رادیو در مقایسه با کتاب‌های دیگر موجود، لزوم تجدید چاپ و توزیع آن

در سطح دانشگاه‌ها و قرار گرفتن آن در اختیار دانشجویان بسیار احساس می‌شود.

نکته دیگر اینکه در رشته ارتباطات دانشگاه تهران درسی با عنوان مطالعات رادیویی وجود دارد که منبع اصلی آن همین کتاب است و دانشجویان همواره با مشکل کمبود کتاب برای تهیه و مطالعه مواجه هستند. این در حالی است که برای طرح سوالات کنکور کارشناسی ارشد ارتباطات در موضوع رادیو نیز این کتاب قابلیت‌های فراوانی را دارد که عدم چاپ مجدد آن تمامی این فرصت‌ها را از موسسات آموزشی و پژوهشی مرتبط با رادیو خواهد گرفت. حتی توصیه‌ای که در همین نوشته به خوانندگان برای مطالعه کتاب می‌شود، تنها با مراجعه به کتابخانه‌ها قابل اجرا بوده و امکان خرید کتاب از کتابفروشی‌ها وجود ندارد. به نظر می‌رسد اهمیت درک رادیو به اندازه مزایایی که دارد درک نشده و امید که این نوشته ما را به این سمت هدایت کند که درک رادیو را دریابیم.

منابع:

- برخوردار، ایرج: اصول تهیه برنامه‌های رادیویی، تحقیق و توسعه صدا: ۱۳۸۱
- خاتون آبادی، سید احمد: رادیو و ارتباط توسعه‌ای، سروش: ۱۳۷۴
- خزائی، عذرا: نویسندگی برای رادیو و تلویزیون، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما: ۱۳۷۵
- قاضی زاده، علی اکبر: نوشتن برای رادیو، تحقیق و توسعه صدا: ۱۳۸۰
- کرایسل، اندرو: درک رادیو، ترجمه معصومه عصام، تحقیق و توسعه صدا: ۱۳۸۱
- کوینسی، مک کوی: برنامه سازی خلاق در رادیو، ترجمه دکتر ناصر بلیغ، تحقیق و توسعه صدا: ۱۳۸۱
- معین افشار، منوچهر: اصول نمایشنامه نویسی رادیویی، تحقیق و توسعه صدا: ۱۳۸۱
- مک فارلند، دیوید: راهبردهای برنامه سازی برای رادیو در آینده، ترجمه مینو نیکو، تحقیق و توسعه صدا: ۱۳۸۱
- والبوئنا، ویکتوریا: رادیوی جامعه ماهاولی، ترجمه دکتر ناصر بلیغ، تحقیق و توسعه صدا: ۱۳۸۲